

## بازیهای پشت صحنه با طلا: در انتظار تحول بزرگ (۱)

<http://www.fondsk.ru/news/2013/07/24/zakulisnye-igr-y-s-zolotom-v-ozhidanii-velikogo-pereloma-i-21612.html>

۲۰ اسد ۱۳۹۲

پس از شکست استاندارد طلا- دلار (سیستم برتون وودز)، بانکهای مرکزی کشورهای پیشرو «میلیاردرهای طلائی» بطور منظم به معاملات مخفی با فلز زرد روی آوردند، که هدف از آن، بیرون کشیدن نظاممند طلا از خزانه های (انبارهای) بانکهای مرکزی بود. تخلیه کامل انبارهای طلا در آینده نزدیک پیش بینی میشود، و این، به نقطه عطف رویدادهای دورانساز در تاریخ پولی جهان و سیاست جهانی تبدیل خواهد شد...

### تب طلا بمنزله نشانه «آخر الزمان»

تبلیغ بسیار گسترده بازدید ۱۳ دسامبر ۲۰۱۲ الیزابت دوم، پادشاه انگلیس و دوک فیلیپ از انبار طلای بانک مرکزی انگلیس در ادنبرگ در رسانه های جمعی، یکی از نشانه های تلاش تشنجی الیگارشسی مالی جهانی در جهت به تعویق انداختن «تحول بزرگ» شمرده میشود. بنا به داده های منابع علنی، ۲۰ درصد ذخیره رسمی طلای جهان در انبارهای بانک مرکزی انگلیس نگهداری میشود. طبیعتاً، ملکه انگلیس به شمارش شمشهای طلا و بررسی علائم وجود فلز طلا در این شمشها نپرداخت. اما عکس او در متن شمشهای درخشان، میبایست همه را به این امر متقاعد سازد، که در «کشور پادشاهی طلا» همه امور بر وفق مراد است. اما، این اقدام تبلیغاتی تأثیر چندان مطلوبی بدنبال نداشت. عصبانیت سوداگران بازار طلا به اوج خود رسید و به «تب طلائی» فراروئید.

تاریخ بشر شاهد «تب های طلائی» زیادی بوده است. مثلاً، فقط در سده نوزده، در سبیری (سالهای ۳۰)، در کالیفورنیا (سالهای ۴۰)، در استرالیا (سالهای ۵۰)، در آفریقای جنوبی (در اواخر قرن). اما اغلب آنها «تب» محدود بودند، ولی حالا به یک پدیده جهانی تبدیل شده است. آنوقتها طلا را از دل زمین بیرون میکشیدند، اما اکنون بقایای طلا را از ته انبارهای بانکهای مرکزی میخراشند. امروز میلیاردرهای مشهوری مثل جورج سورس، روی طلا سرمایه گذاری میکنند. سرمایه گذاران زیاد دیگری نیز در جستجوی طلا به بازارهای فلز زرد روی آورده اند. مدیر کل بانک سوئیسی UBS، جوزف استادلر، اظهار داشت، که اغنیا طلا چند تن - چند

تن می خرنند. این را باید در نظر داشت، که سورس، مأمور روچیلدهاست، و اگر سورس «به سوی طلا روی آورده»، در واقع، «فرجام طلا» نزدیک است. یادآوری کنیم، که او در بهار سال ۲۰۱۱ با صدای بلند اعلام کرد: «به اعتقاد من طلا بزرگترین حباب سوداگرانه جهان است». و همه موجودی طلای خود را بحالت نمایشگرانه فروخت. سورس در اینجا به نفع روچیلدها بازی کرد، که به خرید فعالانه طلا و متوقف ساختن رشد قیمت آن نیاز داشتند. برخی کارشناسان ضمن تحلیل چرخش سورس بسوی طلا در سال ۲۰۱۲، تأیید میکنند، که سوداگر «هنگام تقسیم کلوچه تأخیر کرد». خوب، ما میتوانیم بفهمیم، که «کلوچه طلائی» تناول شده است. به سورس اجازه دادند فقط خرده-ریزه ها را بخورد.

ممکن است تا شروع «تحول بزرگ» کسانی شگفت زده شوند و بخاطر بی پرنسیپی بانکداران جهانی، که در طول چندین دهه طلاها را مخفیانه از انبارهای خزانه داری به گاوصندوقهای خصوصی منتقل کردند، عصبانی شوند. اما در واقعیت امر، بانکداران جهانی (روچیلدها) هیچ چیز تازه ای به جهان عرضه نکردند. تاریخچه رسمی طلا بار دیگر اجتناب ناپذیری روش آنها را، که در سده نوزدهم به آنها اجازه داد تا به جایگاه بالاتر از پادشاه ارتقاء یابند، نشان داد. کارشناس روس در عرصه ژئوپلیتیک، و. پاولنکو در این باره چنین مینویسد: «خاندان روچیلدها بیش از ۲۰۰ سال است، که در عرصه رسانه های جمعی، بانکها، استخراج الماس و فلزات رنگی، از جمله طلا، تخصص یافته اند». به همین سبب هم، روانشناسی آنها چنین شکل گرفته، که همه طلای جهان به آنها تعلق دارد و فقط برای نگهداری موقت، آنها را به دولتهای مختلف، که طلا را «دستآورد ملی» تلقی نموده و مطمئناً آن را از گزند متقاضیان نامطلوب مصون میدارند، سپرده اند. و تا زمانی هم که روچیلدها به آن نیاز نداشته باشند، نگهداری خواهند کرد. اما تجربه دهه های اخیر بارها در عمل ثابت کرده است که راههای لازم واداشتن طلا برای دست بدست شدن و بازگشت مجدد آن در زمان مناسب به «صاحب» را اعضای خانواده بسیار پر تجربه میباند.

### «عاقبت طلا»: برخی پی آمدهای آشکار

مشکل بتوان تمام عواقب کلاهبرداریهای باز قدرتهای پولی کشورهای «میلیاردرهای طلائی» را پیش بینی کرد. واضح است، که اعتماد به بانکهای مرکزی (و همچنین، خزانه داری های مرتبط با آنها) بطور برگشت ناپذیری از دست خواهد رفت. و اقتدار دولتها در نتیجه اینکه آنها بر روی فعالیتهای بانکهای مرکزی نظارت نکردند، تضعیف خواهد شد. همچنین گمان می رود تقلبات علنی شده «بخصوص در مقیاس بزرگ»، باعث شروع هرج و مرج جدی در زندگی مالی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه بشود.

بنا بر این، پیامدها در عرصه مالی کاملاً روشن است. قیمت فلز زرد بطور ناگهانی افزایش خواهد یافت. با قطع عرضه طلا از انبارهای بانکهای مرکزی، توازن تصنعی در بازار فلزات قیمتی بهم خواهد خورد. اکنون (ماه اوت سال ۲۰۱۱) که حداکثر قیمت هر اونس ترویکای طلا به ۱۹۰۰ دلار رسیده است، ارزش «برابری» واقعی نرخ فلز زرد، بر اساس برآوردهای مختلف، به ۵ تا ۱۰ هزار دلار خواهد رسید (با وجود حجم و نرخ کنونی ارز آمریکا). در هر حال، برخی کارشناسان حتی قیمت‌های بالاتری را ذکر میکنند. اما چنین پیش بینی های بالاتر از حد، فقط در صورتی که اگر حرکت از طلا- کالا به سوی طلا- پول مشاهده شود، واقعیت خواهد یافت. با وجود پول طلا درست این است، که نه در باره قیمت طلا، بلکه در باره برابری طلا با واحدهای پول سخن گفته شود. بدین ترتیب، جان باتلر، نویسنده کتاب مشهور «انقلاب طلا» (The Golden Revolution) بر این باور است، که اگر در آمریکا در سال ۲۰۱۲ تأمین تعهد ۴۰ درصدی بانکها بعمل می آمد، با وجود ذخیره طلای کشور (کمی بیش از ۸ هزار تن) قیمت هر اونس ترویکای طلا نبایستی کمتر از ۱۳۴۰۰ دلار می بود. در رسانه های جمعی اغلب به پیش بینی جیم سینکلر، که قیمت یک اونس طلا را ۱۲۵۰۰ دلار برای سالهای ۲۰۱۵ - ۲۰۱۶ برآورد می کند، برمیخوریم.

کاهش شدید نرخ دلار آمریکا یکی دیگر از پیامدها خواهد بود. به این دلیل بسیار ساده: بین نرخ فلز زرد و دلار آمریکا در دوره پس از فروپاشی سیستم برتون وودز، یک رقابت نامرئی جریان داشت. هر قدر قیمت طلا افزایش می یافت، به همان نسبت نرخ دلار آمریکا پائین میآمد و بالعکس، به هر میزان نرخ طلا پائین بیاید، موضع «کاغذ سبز» تقویت میشود. این مسئله منتفی نیست، که نرخ دلار آنقدر کاهش خواهد یافت، که قدرتهای پولی آمریکا مجبور شوند بجای آن، دلار جدید (مثلاً، بجای دلار «سبز»، دلار «صورتی») یا بطور کلی ارز جدید (مثلاً، «آمرو») انتشار بدهند. این حادثه، در شرایطی که اگر ایالات متحده آمریکا در روی نقشه سیاسی جهان باقی بماند و به چند دولت- ایالت «مستقل» تجزیه نشود، اتفاق خواهد افتاد. از آنجائیکه کلاهبرداری آشکار با طلا موجب بی اعتمادی عمومی نسبت به قدرتهای پولی میشود، شکست دیگر ارزها- مثلاً، یورو، پوند استرلینگ انگلیس و ین ژاپن منتفی نیست. روشن است، که در شرایط بروز هرج و مرج کاغذی- پولی مردم مجبور خواهند شد به سوی پول کالائی روی بیاورند. اقتصاددانان بر این باورند، که کالاهای مورد مصرف عمومی مثل نفت، انرژی برق، انواع مختلف فلزات رنگی و سیاه، غلات، سیمان و سایر می‌توانند مبنای پول کالائی جدید قرار گیرند. فعلاً به بررسی نکات مثبت و منفی طرحهای مختلف

واحدهای پولی «سبدهای» ارزی مبتنی بر انواع کالاها نمیپردازیم. مسئله اصلی، بر سر پیچیدگی تشکیل نظام مبتنی بر «سبدهای» کالائی و بی ثباتی آنها است. گمان میکنم، آنگاه که زمان «تحول بزرگ» فرا برسد، طراحی نظامهای پیچیده پولی برای مردم مشکل نخواهد بود. طلا باز هم به «تخته نجات» تبدیل خواهد شد.

### طلا از خزانه های بانکهای مرکزی به کجا رفت؟

امروز اثبات واقعیت سرقت فلز زرد از خزانه های بانکهای مرکزی مشکل است، اما در هر حال ممکن است. حالا، پاسخ این سؤال که طلا کجا رفت، امروز در گاو صندوق های چه اشخاصی (اشخاص حقیقی یا حقوقی) جای گرفته است، بسیار دشوار است. میتوان، البته، احتمال داد، که آن بطور مساوی بین مصرف کنندگان طلا، یعنی موسسات تولیدی زینت آلات، سرمایه گذاران، ذخیره کنندگان خصوصی و سایر تقسیم شده است. اما راستی آزمائی این مدعا ممکن نیست. زیرا، علی الاصول، طلا نه در «اوج» قیمت فلز، بلکه برعکس، در شرایطی که نرخ آن به پائین ترین حد «عمق» رسیده بود، خریداری شده است. تردید جدی وجود دارد، که «خصوصی سازی» ذخایر طلا به نفع اشخاص معینی که فلز را در شرایط بسیار مطلوب بدست آورده اند، انجام گرفته است. این مدعا را هر تحلیلگر جدی میتواند تأیید نماید. این هم، از جمله، نظر سرگئی گالوبیتسک، کارشناس مسائل مالی روسیه که سعی کرده حراج طلای بانک ملی سوئیس در سالهای ۲۰۰۰-۲۰۰۵ را تشریح نماید. او می نویسد: «برداشت من از واقعه این است که سوئیس در فاصله سالهای ۲۰۰۰-۲۰۰۵ ذخیره ملی طلای خود را بی تکلف با پائین ترین قیمت فروخت و فلز ارزشمند زرد را از خزانه بانک مرکزی به ساختارهای تجاری پیروزمندانه انتقال داد! این بانک، تغییر قانون اساسی و جدائی فرانک از طلا را دلیل محکم و قانونی این امر اعلام کرد و گفت: در شرایط جدید، در انبار بانک مرکزی یک مازاد «سنگین» ایجاد شده بود، به همین سبب، آن را با پولی که اتفاقاً، مقامات بسرقت نبردند و در میان مردم خود (سازمانهای خودگردانی منطقه ای و فدرال) توزیع نمودند، مبادله کردیم! خریداران این طلاها، به اعتقاد من، در اکثر موارد مثل سوئیس ها، با این تفاوت، که آنها فقط نه جزو مقامات ساختارهای دولتی، بلکه عضو بانکها و مؤسسات خصوصی بودند. فرضیه من، بیانیه های پر سر و صدای مقامات سوئیس را که قیمت طلا را در بازارها کشتند و شرایط «خصوصی سازی» حباب طلائی را با پائین ترین نرخ تصنعی (قیمت ناچیز) فراهم ساختند، کاملاً توضیح میدهد! همینکه برنامه حراج ۱۳۰۰ تن طلا در سال ۲۰۰۵ به پایان رسید، قیمت جهانی طلا روند صعودی در پیش گرفت...».

امروز بسیاری از رسانه های جمعی متوجه این موضوع هستند، که **بانک خلق چین** سیاست پیگیر توسعه ذخیره طلای خود را در پیش گرفته است، با این حال، این اندوخته ها در آمارهای آن یا انعکاس نمیابد یا بطور کامل نشان داده نمیشود. طبیعی است تصور کنیم، که بانکهای بزرگ غیردولتی نیز میتوانند با پوشش دقیق این پروسه، از سیاست توسعه ذخیره طلای خود بحساب خصوصی سازی ارزان فلز موجود در خزانه های بانکهای مرکزی پیروی کنند.

داده های غیررسمی پیرامون ذخایر طلا، یعنی ثبت شده در ترازنامه های مؤسسات خصوصی یا تحت مالکیت اشخاص حقیقی، ناقص و غیرقابل اطمینان هستند. رقم دقیق را حتی کارشناسان کمیته بین المللی طلا هم نمیتوانند اعلام نمایند. فقط یکسری ارزیابیهای تخمینی وجود دارد و آنها چنین اند: بیش از ۳۰ هزار تن طلا به شکل اشیای زینتی و غیرپولی در دست اشخاص حقیقی قرار دارد. تقریبا همین میزان ذخیره نیز بصورت پول طلا، سکه و شمشهای استاندارد وجود دارد. کل طلای سرمایه گذاران خصوصی – اشخاص حقیقی یا حقوقی – همین قدر است. برخی کارشناسان عقیده دارند، که ذخیره غیررسمی طلای پولی امروز از میزان ذخیره رسمی بیشتر است. اگر توجه کنیم، که داده های رسمی پیرامون ذخیره طلای بانکهای مرکزی میتوانند در پشت انبارهای خالی یا باصطلاح تحت پوشش طلای تنگستنی (تقلبی) پنهان شوند. سؤال پیش میآید: ذخایر غیررسمی پولهای طلا تا چه حد تثبیت شده است؟ یا آنها نیز بین میلیونها میلیون اشخاص حقیقی در کشورهای مختلف جهان پخش شده اند؟ این پرسشی است که پاسخ صحیح آن را حتی کارشناسان کمیته جهانی هم نمی توانند بدهند.

اگر با استناد به منابع علنی قضاوت کنیم، در این صورت، بزرگترین میزان ذخیره غیررسمی طلا را تا روز امروزی مؤسسه خصوصی «**SPDR Gold Share ETF**» در اختیار دارد، خرید و فروش سهام **SPDR Gold** در سال ۲۰۰۴ در بازار اوراق بهادار نیویورک شروع شد و یکی از سریع ترین رشد یابنده ها در جهان شمرده میشود. در حال حاضر در بازارهای بورس سنگاپور و توکیو نیز خرید و فروش میشود. ذخیره طلای مؤسسه نامبرده برابر ۱۲۶۰ تن است و بانک **HSBC**، بانک تحت کنترل خاندان روچیلدها نگهبان آن شمرده میشود. طلا در انبار مرکزی بانک، واقع در لندن نگهداری میشود، برغم این، طلا میتواند به دیگر انبارهای **HSBC** انتقال یابد. سایر مؤسسات خصوصی طلا کوچک هستند. مجموع کل ذخیره چنین مؤسساتی ۲۱۰۰ الی ۲۲۰۰ تن تخمین زده میشود. بعبارت دیگر، این میزان، در حدود ۷ درصد از ذخایر غیررسمی طلای پولی جهان را تشکیل میدهد.

**ادامه دارد...**

